

لِلتَّطْبِيقِ

اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ تَمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

كَانَتِ الشَّمْسُ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ وَهِيَ تُحْرِقُ الْأَبْدَانَ

وَالنَّبَاتَاتِ... كَانَ الْفَارِسُ يُوَاصِلُ طَرِيقَهُ بِصُعُوبَةٍ. وَبَيْنَمَا

كَانَ سَائِراً فِي طَرِيقِهِ، وَاجَهَهُ رَجُلٌ وَطَلَبَ مِنَ الْفَارِسِ مُلْتَمِساً أَنْ

يَحْمِلَهُ مَعَهُ. فَقَبِلَ الْفَارِسُ طَلْبَهُ وَهُوَ فَرِحٌ بِعَمَلِهِ. بَعْدَ دَقَائِقَ دَفَعَ الرَّجُلُ

الْفَارِسَ وَأَوْقَعَهُ عَنِ الْفَرَسِ وَكَادَ يَقْتُلُهُ. تَمَّ أَخْذَ بِالزَّمَامِ فَرِحاً وَابْتَعَدَ مُسْرِعاً

وَهُوَ يَضْحَكُ. صَاحَ الْفَارِسُ وَقَدْ يَيْسُ مِنْ فَرَسِهِ: أَسْأَلُكَ أَمراً أَرْجُو أَنْ تَقْبَلَهُ!

فَقَالَ الرَّجُلُ هَازِئاً: مَاذَا تُرِيدُ وَأَنْتِ سَتَمَوْتُ فِي هَذِهِ الصَّحْرَاءِ بِلَا شَيْءٍ؟! قَالَ

الْفَارِسُ: أَرْجُوكَ أَلَّا تُخْبِرَ أَحَداً بِمَا فَعَلْتَهُ بِي! نَظَرَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ مُتَعَجِّباً وَسَأَلَ:

لِمَاذَا؟ فَأَجَابَ: أَخَافُ أَنَّكَ إِنْ أَخْبَرْتَ النَّاسَ، فَلَا تَبْقَى مُرَوَّةٌ فِي الدُّنْيَا...!!

قَطَعَ الرَّجُلُ مَسَافَةً تَمَّ عَادَ مُعْتَذِراً... أَيُّهَا الْفَارِسُ!... وَوُلِدْتُ مِنْ جَدِيدٍ... لَقَدْ

عَلَّمْتَنِي دَرْساً لَنْ أَنْسَاهُ أَبَداً...!

* عَيْنِ الْحَالِ وَصَاحِبِهَا. (الْحَالُ الْمَفْرُودَةُ)

* مَاذَا طَلَبَ الْفَارِسُ مِنَ الرَّجُلِ؟

* لِمَاذَا صَاحَ الْفَارِسُ؟

* هَلْ نَدِمَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلِهِ؟

عَيْنُ الْحَالِ (إذا كانت موجودة):

- ١ ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾
- ٢ ﴿اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾
- ٣ ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

عَيْنُ الْمَنْصُوبَاتِ وَنَوْعُهَا فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١ ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾
- ٢ ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
- ٣ ﴿وَجَاؤُوا آبَاءَهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾

١- «المؤمنات معطوفٌ و منصوبٌ بالتبعية.» و سنقرأُ هذا البحثُ في الدروسِ الآتية.

۱- علامت قید حالت در زبان فارسی «ان»، «ا»، «با» (پیشوند) و... است :
دانش آموز خندان و با شتاب آمد.

۲- در ترجمه‌ی جمله‌های حالیه ابتدا عبارت «در حالی که، که» را می‌نویسیم،
آن‌گاه خود فعل، معمولاً طبق الگوی زیر ترجمه می‌شود :
(باید توجه داشت که زمان جمله‌ی حالیه، متأثر از زمان جمله‌ی قبل از خود است)

* ماضی + ماضی ماضی بعید در زبان فارسی (و یا ماضی ساده)

خرج المعلم وقد علمنا أشياء كثيرة = معلم خارج شد در حالی که مطالب بسیاری را به ما
آموخته بود (آموخت).

* ماضی + مضارع ماضی استمراری در زبان فارسی

جاءت المعلمة وهي تتكلم باللغة العربية = معلم آمد در حالی که به زبان عربی سخن می‌گفت.



متن زیر را بخوانیم و ترجمه کنیم :

الْبَطْلَةُ الْمُسْلِمَةُ

في غزوة أُحُدٍ تَقَدَّمَ الْمُشْرِكُونَ يُظَنُّونَ أَنَّ نِهَايَةَ الْإِسْلَامِ قَدْ أَصْبَحَتْ قَرِيبَةً. سَمِعَتْ «الرُّمَيْصَاءُ»
صِيَاحَهُمْ : ... هَيِّوَا إِلَى تِلْكَ الْخَيْمَةِ الَّتِي فِيهَا مُحَمَّدٌ! ... أَقْتُلُوا مُحَمَّدًا! ...
لَمْ تَنْتَظِرِ الرُّمَيْصَاءُ... أَحَسَّتْ بِقُوَّةٍ عَظِيمَةٍ، فَتَقَدَّمتْ جَرِيئَةً وَغَرَسَتْ خَنْجَرَهَا فِي ظَهْرِ الْمُشْرِكِ
الَّذِي قَصَدَ قَتْلَ النَّبِيِّ (ص)... ثُمَّ وَقَفَتْ عَلَى قُرْبٍ مِنْ خَيْمَةِ الرَّسُولِ مُتَرَبِّصَةً! : «لَنْ يَقْتَرِبَ أَحَدٌ مِنْ
رَسُولِ اللَّهِ وَالرُّمَيْصَاءُ لَهَا عِرْقٌ يَنْبُضُ!... يَا أَحْفَادَ الشَّيْطَانِ!... تَعَالَوْا... سَتَقَاتِلُكُمْ امْرَأَةٌ مُسْلِمَةٌ...!»
فَقَاتَلَتْ بِشَجَاعَةٍ وَأُصِيبَتْ بِجِرَاحَاتٍ كَثِيرَةٍ... فَرَّ الْمُشْرِكُونَ خَائِفِينَ مَدْعُورِينَ... وَذَهَبَ الرَّسُولُ
الْأَكْرَمُ (ص) إِلَى أَصْحَابِهِ مَادِحًا الرُّمَيْصَاءَ!...

الصور الجمالية في القرآن الكريم

«حذف مفعول به»

ما معمولاً تصوّر می کنیم که برای القای بهتر مطلب، لازم است تمامی ارکان و وابسته های جمله ذکر شود؛ در حالی که واقعیت، خلاف این موضوع را اثبات می کند. چه، بسیاری اوقات، «حذف» برخی اجزای جمله، معانی و مفاهیم دقیقی را می رساند که «ذکر» آن ها نمی تواند افاده ی چنین معنایی را بکند.

به آیات ذیل توجه کنیم:

- ۱- ﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ﴾ خداوند به سرای سلامت فرا می خواند. مفعول فعل «یدعو» در این آیه حذف شده است تا عموم «دعوت شدگان» را شامل شود. بنابراین علاوه بر اختصار که از خصوصیات یک عبارت بلیغ است، دلالت بر «عمومیت»، از دلایل حذف مفعول به است!
- ۲- ﴿لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ اگر [خدا] می خواست همه ی شما را هدایت می کرد. «شاء» یک فعل متعدی است، اما مفعول آن چرا حذف شده است؟

در این جازمانی که متکلم، فعل «شاء» را به زبان می آورد، مخاطب منتظر می ماند تا مفعول آن مشخص شود. اما متکلم عمداً آن را مخفی می کند و در دنباله ی جمله به شکل مبهم مطرح می کند تا مخاطب، خود به جستجوی مفعول آن بپردازد. این امر موجب تثبیت معنای موردنظر، در ذهن مخاطب می شود!

شناخت «مقتضای حال»
یعنی شناخت روحیات
مخاطب و نحوه ی چگونگی
تأثیر کلام بر شنونده!

شناخت «مقتضای حال»
است که معین می کند کجا
«ذکر» مهم است و کجا
«حذف»!

- ۳- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ [ای پیامبر] خدایت تو را رها نکرده و دشمنی نکرده است! چرا مفعول فعل «قَلَى» حذف شده است؟ (قَلَاك)
- به منظور رعایت جمال ساختار و زیبایی قالب، مفعول به حذف شده است تا اواخر همه ی آیات به الف ختم شود!

حال در آیات زیر سبب حذف مفعول به را مشخص کنیم:

- ۱- ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ﴾
بگو: این سخن حق از جانب پروردگار شماست، هر که بخواهد باید ایمان بیاورد.
- ۲- ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾
بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟
- ۳- ﴿فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ۝ سَيَذَكَّرْ مَن يَخْشَىٰ ۝ وَيَتَجَنَّبْهَا الْأَسْفَىٰ﴾
اگر پند دادنت سودمند بیافتد، پند ده. آن که می ترسد، پند می پذیرد و نگون بخت از آن دوری می گزیند!

اقرأ الدعاء التالي و ترجمه إلى الفارسيّة:

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجَلِي وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي وَسَهِّلْ
إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي . اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ وَاسْتَعْمِلْنِي
بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً . . .

دعاء «مكارم الأخلاق»

نَبَّهْ: آگاه کن

انْهَجْ: روشن کن

تغیها را بود آیا که عیاری یگزند؟

همایش نقد ترجمه

به منظور ارتقاء سطح درک و دریافت معنی و با توجه به اهمیت ترجمه‌ی صحیح در انتقال درست مطالب و مفاهیم، بر آن شدیم که به منظور تبادل آراء و انتقال روش‌ها و اطلاعات لازم و مفید در زمینه‌ی «نقد ترجمه»، همایشی را با حضور دانش‌آموزان و دبیران و مسؤولان محترم دبیرستان... برگزار کنیم.

امیدواریم چنین همایش‌هایی در ارتقاء و تعالی آموزش زبان قرآن مفید و مؤثر باشد.

موضوعات همایش

۱. معیارهای نقد ترجمه
۲. چگونگی رعایت قواعد دستوری زبان مبدأ (عربی)
۳. حفظ ساختارهای جملات زبان مقصد (فارسی)
۴. ترجمه‌ی معیار
۵. معیارهای ترجمه‌ی امین
۶. تأثیر نکات سجاوندی در ترجمه
۷. دانستن اطلاعات بلاغی و تأثیر آن در ترجمه

زمان: روز ... ساعت ...

دانش‌آموزان دبیرستان ...

